

Village and Development

Vol.28, No.110, Summer 2025

Research Paper

A Systematic Review of Factors Affecting the Presetting of Local Village Management Pattern (2000 to 2024)

*S. Julayi*¹ , *A.R. Darban Astane*² , *H.A. Faraji Sabokbar*³ , *M.R. Rezvani*⁴ , *M.A. Khorasani*⁵ 

Received: 12 March, 2025 **Revised:** 15 September, 2025 **Accepted:** 1 October, 2025

Abstract

Introduction

Achieving sustainable rural development requires effective management grounded in the fundamental principles and guidelines of this type of development. Identifying the key components and factors influencing local management, along with its consequences, is essential for realizing the goals of sustainable rural development. To this end, a qualitative analysis was conducted through library research to examine the factors affecting sustainable local management in small and scattered villages in Iran. In the first step, research questions such as the positioning of the research in terms of time, geographical distribution, subject, and methodology were analyzed both globally and within Iran. Based on the results obtained, the factors influencing local management in

-
1. Ph.D Candidate of Geography and Rural Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.
 2. Corresponding Author and Associate Professor of Human Geography Department, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran (astaneali@ut.ac.ir).
 3. Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.
 4. Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.
 5. Associate Professor, Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

DOI: 10.30490/rvt.2025.367407.1656

small and scattered villages were identified and categorized. Finally, recommendations for enhancing local management were provided.

Materials and Methods

Based on the foundational nature of the research objective, this study aims to present a portion of the existing findings on local management of rural settlements and to define and develop a comprehensive framework of factors influencing local management in villages, with an emphasis on small and dispersed villages. To achieve this, a systematic review approach, utilizing the PRISMA statement, was employed to gather relevant literature on the components of local management models in rural areas from the period 2000 to 2024. Specific keywords such as local management, rural management, rural management model, and small and dispersed villages were used to collect data from credible internal and external scientific databases. After screening and qualitative assessment, a final analysis was conducted on 80 selected studies.

Results and Discussion

The evaluation of studies from the systematic review indicated that implementing a successful local management model for small villages requires a comprehensive and integrated approach that considers all influencing factors. This approach should focus on the active participation of villagers, government support, strengthening local institutions, and the use of modern technologies. The key findings of this research reveal that small and scattered villages face numerous challenges, including geographic dispersion, lack of infrastructure, misalignment of laws with rural conditions, weak local institutions, financial resource shortages, rural migration, weak public participation, changes in lifestyle, and environmental degradation. These challenges directly affect the quality of life of rural residents, resource productivity, and the sustainable development of rural areas. Suggestions for addressing these challenges have been provided.

Conclusions

Based on the research questions, the distribution of information regarding the time frame, geographical dispersion, topic, and methodology was examined both in Iran and globally. Through the analysis of requirements, prerequisites, and the factors influencing local management and its consequences, it can be concluded that successful local management requires a comprehensive and integrated approach that takes all relevant factors into account. Furthermore, the active

participation of villagers, government support, strengthening local institutions, and the use of knowledge and new technologies are key factors that can improve local management. Overall, the comprehensive analysis presented in the reviewed documents shows that the challenges facing the sustainable management of small rural settlements are categorized from different prospective such as, economic, social, cultural, and environmental dimensions.

Keywords: Local Municipality, Pattern, Small and Scattered Villages, Systematic Review.

روستا و توسعه

سال ۲۸، شماره ۱۱۰، تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

مرور نظام‌مند عوامل موثر بر الگوی مدیریت محلی روستاها

(سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴)

سمیرا جولایی^۱، علیرضا دربان‌آستانه^۲، حسنعلی فرجی سبکبار^۳، محمدرضا رضوانی^۴،
محمدامین خراسانی^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۹

چکیده

شناسایی الگوی مدیریتی کارآمد برای اداره بهینه سکونتگاه‌های روستایی جزو عوامل اثرگذار بر فرایند توسعه پایدار روستایی است. دولت‌ها و نهادهای محلی به عنوان مهم‌ترین واحدهای شناخته‌شده با تدوین استراتژی‌ها و فعالیت‌های توسعه‌ای، چارچوب برنامه‌ریزی و مدیریت لازم را برای توسعه روستایی فراهم می‌کنند. این امر زمانی ممکن است که بتوان الزامات، نتایج و عوامل موثر بر ارائه الگوی مدیریت

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول و دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (astaneali@ut.ac.ir)

۳. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۵. دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

DOI: 10.30490/rvt.2025.367407.1656

محلی مطلوب و مؤلفه‌های مرتبط با آن را شناسایی نمود. مرور پژوهش‌های پیشین نشان‌دهنده خلا چارچوب‌های موجود در تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی مدیریت محلی در مناطق روستایی است. پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی است و هدف از انجام آن، ارائه بخشی از نتایج مطالعات موجود در زمینه مدیریت محلی سکونتگاه‌های روستایی و تبیین و توسعه یک چارچوب جامع از عوامل مؤثر بر مدیریت محلی در روستاها با تاکید بر روستاهای کوچک و پراکنده است. در این راستا، ادبیات مرتبط با مؤلفه‌های مؤثر الگوی مدیریت محلی روستاها طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر علمی داخلی و خارجی با رویکرد مرور نظام‌مند و بهره‌گیری از بیانیه پریزما با استفاده از کلیدواژه‌های مشخصی چون مدیریت محلی، مدیریت روستایی، الگوی مدیریت روستایی و روستاهای کوچک و پراکنده و همچنین استراتژی شفاف و از پیش طراحی شده جمع‌آوری شد. پس از غربال‌گری و ارزیابی کیفی، تحلیل نهایی روی ۸۰ مطالعه انجام شد. ارزیابی مطالعات حاصل از مرور نظام‌مند نشان داد که ارائه الگوی مدیریت موفق محلی و روستاهای کوچک نیازمند رویکردی جامع و یکپارچه است که در آن تمام عوامل مؤثر در نظر گرفته شود. این رویکرد باید بر مشارکت فعال روستاییان، حمایت دولت، تقویت نهادهای محلی و استفاده از فناوری‌های نوین تمرکز کند. یافته‌های اصلی این تحقیق نشان می‌دهد که روستاهای کوچک و پراکنده نیز با مشکلات متعددی از جمله پراکندگی جغرافیایی، ضعف زیرساخت‌ها، نبود تناسب قوانین با شرایط روستایی، ضعف نهادهای محلی، کمبود منابع مالی، مهاجرت روستایی، ضعف مشارکت مردمی، تغییر سبک زندگی و تخریب محیط زیست مواجه هستند. این چالش‌ها به طور مستقیم بر کیفیت زندگی روستاییان، بهره‌وری منابع و توسعه پایدار مناطق روستایی تأثیر می‌گذارند که برای رفع آنها پیشنهادهایی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: مدیریت محلی، الگو، روستاهای کوچک و پراکنده، مرور نظام‌مند.

مقدمه

مدیریت روستایی^۱ به عنوان فرایندی چند جانبه که شامل ارکان مردم، دولت و نهادهای عمومی است در فرآیند تحولات و توسعه پایدار و یکپارچه روستایی نقش اساسی دارد (Alizadeh et al., 2022). مدیریت روستایی فرایند سازماندهی و هدایت جامعه روستایی به کمک شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست (Rezvani, 2014). این سازمان‌ها و نهادها، ابزار یا وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی است که مردم آن را ترسیم می‌کنند و می‌پذیرند. دهیاری‌ها از بدو تشکیل تاکنون با استفاده از همیاری و مشارکت مردم و کمک‌های دولتی برای رفع نیازهای عمومی، جمع‌آوری زباله، ارائه خدمات عمومی و توسعه معابر اقداماتی انجام داده‌اند. اجرای طرح هادی، برنامه

1. Rural Municipality

خدمات عمومی، اجتماعی و اقتصادی، فعالیت عمده دهیاری‌ها را تشکیل می‌دهد. در نهایت مدیریت نوین روستایی از زمان شکل‌گیری و ارائه خدمات به روستاییان، نقش قابل توجهی در تحولات روستاهای کشور داشته‌اند (Badri & Mousavi, 2012). در این میان روستاهایی که جمعیت آنها کمتر از ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر هستند و به اصطلاح روستاهای کوچک و پراکنده^۱ نامیده می‌شوند، علی‌رغم گذشت بیش از دو دهه از تشکیل نهاد مدیریت روستایی (شورا و دهیاری) در روستاهای کشور، در این گروه از روستاها به دلیل حد نصاب جمعیتی و نبود احراز شرایط تأسیس دهیاری و نداشتن شورای اسلامی روستایی، از موهبت داشتن نهاد مدیریت روستایی بی‌بهره بوده و ارائه الگوی مدیریتی متناسب با شرایط آنها امری ضروری است.

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که مدیریت محلی، به ویژه تصمیمات شوراهای اسلامی روستا و اقدامات عملی دهیاری‌ها، نقش مهمی در توسعه اقتصادی روستاها دارد (Khazaei et al., 2023). مدیریت محلی با توجه به اهمیت تحولات فضایی و در راستای بهبود ابعاد محیطی - اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی - زیربنایی به عنوان فرایند تاثیرگذار در اجتماع نیز مطرح شده است (Shafiei Sabet & Ebrahimipour, 2021). علاوه بر ابعاد اقتصادی، مدیریت محلی بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز تاثیرگذار است، به طوری که مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و احساس تعلق آن‌ها به روستا را افزایش می‌دهد (Mozafari Vanani & Jafari, 2024). با این حال، مطالعات نشان می‌دهند که رضایت مردم از خدمات ارائه شده توسط مدیریت محلی در برخی مناطق پایین است که نشان از وجود شکاف بین انتظارات و واقعیت‌ها دارد (Shafiei Sabet & Khaksar, 2022). چالش‌هایی همچون نبود تبیین مبانی نظری، کمبود منابع مالی، و مشارکت کم مردم، مانع از تحقق پتانسیل کامل مدیریت محلی شده است (Molaeihashjin et al., 2023). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برای بهبود مدیریت روستایی، باید به عوامل مختلفی از جمله اصلاح قوانین، افزایش مشارکت مردم، و ارتقای سرمایه اجتماعی توجه شود (Firouznia et al., 2022). همچنین استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند به بهبود بهره‌وری و اثربخشی مدیریت روستایی کمک کند (Yin et al., 2024).

مدیریت یکپارچه روستایی، رویکردی فراگیر است که تمامی ابعاد توسعه روستایی، از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیستی و کالبدی را به صورت هم‌زمان و مرتبط با هم در نظر می‌گیرد. این رویکرد، بر همکاری و مشارکت بین بخش‌های مختلف دولت، نهادهای محلی و جامعه

1. Small and Scattered Village

روستایی تأکید دارد تا به توسعه‌ای پایدار و فراگیر در مناطق روستایی دست یابد. علی‌رغم اهمیت این رویکرد، بسیاری از روستاها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، با چالش‌هایی مانند مهاجرت، کاهش جمعیت، فقر و تخریب محیط زیست مواجه هستند (Alizadeh et al., 2022).

روستاهاى کوچک و پراکنده به دلیل محدودیت‌های جمعیتی، جغرافیایی و زیرساختی، با شرایط پیچیده‌تری برای توسعه مواجه هستند. برای غلبه بر این چالش‌ها، رویکرد مدیریت یکپارچه روستایی می‌تواند راهکاری مؤثر باشد، زیرا این رویکرد با ایجاد هماهنگی بین ابعاد مختلف توسعه، از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، به توسعه متوازن، حفظ محیط زیست، تقویت مشارکت مردمی و افزایش کارایی برنامه‌های توسعه‌ای کمک می‌کند (Zou et al., 2020). این رویکرد با جلوگیری از رشد نامتوازن و کاهش نابرابری‌ها، توسعه پایدار را برای نسل‌های آینده تضمین می‌نماید (Membretti, 2021). بررسی‌ها نشان می‌دهد که الگوهای مدیریت یکپارچه روستایی در جهان به شرایط محیطی و اجتماعی هر منطقه وابسته است و شامل الگوهای مختلفی مانند الگوی مشارکتی با تأکید بر نقش مردم، الگوی مبتنی بر بازار با تمرکز بر فعالیت بخش خصوصی، الگوی اکولوژیکی با اولویت حفظ محیط زیست، و الگوی مبتنی بر فناوری با بهره‌گیری از ابزارهای نوین می‌شود (Morrison, 2014; Mustakangas & Vihinen, 2024). در روستاهای کوچک، الگوهای متنوع‌تری برای مدیریت یکپارچه به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال، تأکید بر اقتصاد محلی و کشاورزی پایدار از جمله تولید محصولات ارگانیک با ارزش افزوده بالا، توسعه صنایع تبدیلی محلی برای فرآوری محصولات کشاورزی و صنایع دستی، و ترویج گردشگری روستایی می‌تواند به ایجاد درآمد پایدار منجر شود (Bratamangala, & Firouznia et al., 2022; Kulsum, 2024). همچنین، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشید، باد و آب، هزینه‌های انرژی را کاهش داده و به استقلال اقتصادی روستاها کمک می‌کند (Boudet et al., 2020). اقتصاد اجتماعی و تعاونی نیز از طریق ایجاد تعاونی‌های تولید و مصرف و صندوق‌های اعتبارات خرد، همکاری و تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی روستاییان را تقویت می‌نماید (Yohanes & Siprianus, 2023). علاوه بر این، بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله اینترنت، تلفن همراه و تجارت الکترونیک، دسترسی روستاییان به اطلاعات، بازارها و خدمات را بهبود بخشیده و فرصت‌های جدیدی برای توسعه ایجاد می‌کند (Yin et al., 2024). ترکیب یکپارچه این الگوها می‌تواند به توسعه پایدار روستاهای کوچک و ارتقای کیفیت زندگی روستاییان کمک کند (Shafiei Sabet & Ebrahimipour, 2021).

شناسایی الگوی مدیریتی کارآمد در کشورهای درحال توسعه برای اداره بهینه سکونتگاه‌های روستایی عامل مهم در مجموعه عوامل اثرگذار بر فرایند توسعه پایدار روستایی است (Heidari, 2016). Sarban, 2016) با توجه به تفاوت‌های مکانی و فضایی در سکونتگاه‌های روستایی ایران ارائه الگوی مناسب برای مدیریت این سکونتگاه‌های حیاتی امری ضروری است. تقویت سازمان فضایی این روستاها هم برای بهبود استانداردهای زندگی و هم برای به حداقل رساندن تأثیرات اکولوژیکی بسیار مهم است. رویکردهای سنتی، که اغلب از منظر بالا به پایین به این موضوع می‌نگرند، تمایل به نادیده گرفتن فرآیندهای تصمیم‌گیری ساکنان روستایی این مناطق در نظام برنامه‌ریزی دارند (Yin et al., 2024). نیل به این هدف با آگاهی از مجموعه عوامل موثر بر مدیریت روستایی امکان‌پذیر است.

چالش‌های اجرای مدیریت یکپارچه روستایی شامل پراکندگی روستاها، تنوع شرایط، کمبود منابع مالی، ضعف نهادهای محلی و تغییر سبک زندگی روستاییان است. برای رفع این چالش‌ها، تقویت نهادهای محلی، مشارکت فعال مردم، تخصیص منابع مالی کافی، استفاده از فناوری‌های نوین، آموزش و توانمندسازی روستاییان و تطبیق قوانین و مقررات ضروری است. مطالعات موجود نشان می‌دهند که چارچوب‌های موجود در تحلیل عوامل موثر بر الگوی مدیریت محلی در مناطق روستایی، به ویژه روستاهای کوچک و پراکنده، با نواقصی همراه است (Shafiei Sabet & Ebrahimipour, 2021). Ebrahimipour, 2021) مدیریت محلی در روستاهای کوچک و پراکنده به دلیل ویژگی‌های خاص این مناطق، از جمله پراکندگی جغرافیایی، محدودیت‌های جمعیتی (کمتر از ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر)، ضعف زیرساخت‌ها، و نبود نهادهای رسمی مانند دهیاری و شورای اسلامی با چالش‌های متعددی مواجه است (Alizadeh et al., 2022; Shafiei Sabet & Ebrahimipour, 2021). این شرایط منجر به ناکارآمدی الگوهای سنتی مدیریت روستایی و عدم تطابق آنها با نیازهای این سکونتگاه‌ها شده است. همچنین، خلاء چارچوب‌های نظری جامع برای تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت محلی، کاهش مشارکت مردمی، مهاجرت روستایی، و تخریب محیط‌زیست، ضرورت تدوین الگویی یکپارچه و متناسب با شرایط این روستاها را برجسته کرده است (Molaeihashjin et al., 2023). این پژوهش در پاسخ به این خلاء و با هدف ارائه چارچوبی جامع برای بهبود مدیریت محلی و تحقق توسعه پایدار روستایی شکل گرفته است.

با فرض نقش کلیدی مدیریت روستایی و مدیریت محلی در توسعه پایدار روستایی تلاش شد تا مطالعه و دسته‌بندی منابع موجود در این زمینه با تمرکز بر پرسش‌هایی به شرح زیر صورت پذیرد:

توزیع اطلاعات مربوط به بازه زمانی، پراکندگی جغرافیایی، موضوع و روش در ایران و جهان چگونه است؟ الزامات و پیش‌شرطها (چالش‌ها) و عوامل موثر بر مدیریت محلی چه پیامدها و نتایجی را در پی دارد؟

مبانی نظری

مدیریت روستایی

تعاریف متعددی در خصوص مدیریت روستایی ارائه شده است. به عقیده هراپ، مدیریت روستایی سازماندهی و هدایت اجتماعات روستایی با توجه به نقش و کارکردهای موجودشان برای دستیابی به اهداف معین و نیازهاست (Harrop, 2001). از زوایای دیگر، مدیریت روستایی پیوند اقتصادی، اجتماعی و محیطی فرایندهای پایدار در روستاها را با خود به همراه دارد (Prof, 2004). اکاش معتقد است که مدیریت روستایی به مدیریت منابع، خدمات و فعالیت‌ها در مناطق روستایی اشاره دارد. مدیریت روستایی شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل فعالیت‌ها برای دستیابی به اهداف و مقاصد خاص است که کیفیت زندگی جوامع روستایی را افزایش می‌دهد. مدیریت روستایی ماهیت چندرشته‌ای دارد و از حوزه‌های مختلفی مانند: کشاورزی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و مدیریت دولتی نشأت می‌گیرد (Akash, 2023). هم‌اکنون در کشور، ارکان محلی مدیریت روستایی شامل شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها است. آنها موظف به فعالیت در پنج حوزه ستادی و اداری، اقتصادی و مالی، خدماتی، اجتماعی و سیاسی، بهداشتی و زیست‌محیطی کالبدی و عمرانی هستند (Molaei Hashjin et al., 2018).

مدیریت محلی

در جهان امروزه، نیاز به مدیریت محلی برای نائل شدن به تحولات فضایی در هر ناحیه‌ای امری حیاتی و طبیعی است؛ زیرا اساساً تحولات فضاهای روستایی بدون مدیریت محلی منجر به ناهماهنگی بین مولفه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی شده و باعث آسیب‌پذیری و تضعیف روند آن در سکونتگاه‌های روستایی می‌شود (Tsimpo & Wodon, 2018). براین اساس، مدیریت محلی برای جلب حضور آگاهانه و معنادار روستاییان در عرصه‌های مختلف محیطی - اکولوژیک اجتماعی، اقتصادی، کالبدی شکل گرفته است (Egreteau, 2017). با نگاهی دقیق‌تر می‌توان مدیریت محلی را این‌چنین تعریف کرد: مدیریت محلی بهره‌برداری از ظرفیت و همکاری روستاییان و توجه به اولویت‌ها و نیازهای محلی قلمداد می‌شود (Muro & Jeffrey, 2008). از لحاظ محتوایی،

مدیریت محلی به عنوان اجرای سیاست و به معنی اداره امور عمومی و یا با در نظر گرفتن مرحله اجرا و برخی ویژگی‌های خاص، فراتر از اداره کردن به مفهوم عام آن متصور است (Khorshidi et al., 2013).

روستاهای کوچک و پراکنده

براساس تعریف مرکز آمار ایران، سکونتگاه‌هایی که زیر ۱۰۰ نفر جمعیت دارند، روستاهای کوچک نامیده می‌شوند. طبق قوانین اصلاحات ارضی، ده یا قریه عبارت است از مرکز جمعیت و محل سکونت و کار تعدادی خانوار که در اراضی آن به عملیات کشاورزی اشتغال دارند و درآمد اکثریت آنها از طریق کشاورزی حاصل می‌شود و عرفاً در محل ده یا قریه شناخته می‌شود (Darban Astane, 2015). ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب سال ۱۳۶۵ نیز به صراحت گفته است که در ایران روستاهای با جمعیت کمتر از ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر جمعیت را می‌توان در گروه روستاهای کوچک دسته‌بندی کرد.

این روستاها به دلیل کسب نکردن شرط احراز جمعیت لازم و فقدان شرایط دهیاری، از داشتن نهاد مدیریت روستایی بی‌بهره هستند. طبیعتاً این روستاها به دلیل کمی جمعیت و پراکندگی، همیشه با محرومیت دوجندانی مواجه شده و خواهند شد. اما به دلیل اهمیت این سکونتگاه‌ها، طراحی نظام مدیریت محلی به منظور عرضه خدمات مدیریت روستایی و جبران بخشی از محرومیت‌ها، در قوانین و مقررات در نظر گرفته شده است؛ به نحوی که ساماندهی مدیریت در این‌گونه روستاها مستلزم شناخت ویژگی‌های آنها و چالش‌های پیش‌رو استقرار مدیریت روستایی است (Darban Astane, 2015). برخی چالش‌های این روستاها شامل: تغییرات جمعیتی و پیری، پایین بودن سواد، پایین بودن اشتغال، سطوح پایین‌تر خدمات‌دهی عمومی، سطوح پایین فعالیت بخش خصوصی، اندازه و تراکم و انزوا جغرافیایی است.

روش‌شناسی تحقیق

در روش‌شناسی فعالیت‌های پژوهشی و برای پاسخ به یک پرسش پژوهشی، سنجش و بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین بدون جهت‌گیری خاصی مورد نیاز است (Strech & Sofaer, 2012). بر این اساس از آنجا که هدف این پژوهش از یک‌سو شناسایی، نمایه‌کردن منابع مرتبط با حوزه پژوهش و جمع‌آوری نظام‌مند داده‌هاست، تلاش شد تا جمع‌آوری اطلاعات و غربال‌گری سوابق

پژوهش به شیوه نظام‌مند و با استفاده از بیانیه پریزما^۱ صورت پذیرد. مرور نظام‌مند به پژوهشگر کمک می‌کند تا با تلفیق بینش خود و مطالعات مختلف موجود، دیدگاه نوینی در مورد یک پدیده ایجاد کند و او را هدایت می‌کند تا با تجزیه و تحلیل موضوع، روند کلی تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است و نیز مباحث و پرسش‌هایی را که هنوز بررسی نشده‌اند، شناسایی کند (An & Alarcon, 2020). بنابراین با توجه به اهمیت و مزیت مرور نظام‌مند برای مطالعه پیشینه تحقیق، در این پژوهش سعی شد برای تعیین عوامل موثر بر الگوی مدیریت محلی و شناسایی فرایند و مولفه‌های مرتبط، از این روش استفاده شود. این بیانیه چک‌لیست مبسوطی را با ۲۷ گزینه ارائه می‌دهد که با توجه به نمودار جریان، کار شناسایی و مرور نظام‌مند داده‌ها از ساختار منسجم و منطبق با موضوع پژوهش برخوردار می‌شود. همچنین در این روش برای به تصویر کشیدن مراحل مختلف بررسی منابع اطلاعاتی از «شکل پریزما» استفاده می‌شود. این شکل، اطلاعاتی در مورد تعداد مستندات مشخص شده در پایگاه‌های جستجو، تعداد مطالعات ورودی و یا حذف شده و دلایل حذف آنها را ارائه می‌کند. شکل ۱ (شکل پریزما) دارای سه مرحله کلی شناسایی، غربال‌گری و واجد شرایط بودن است (برگرفته از (Prisma Statement, 2020 & Liberati et al, 2009).

منابع اطلاعاتی و پژوهشی

اطلاعات مورد نیاز در مرحله اول، با استفاده از جستجوی کلید واژه‌های local government, rural administration, rural municipality به صورت لاتین و کلمات دولت محلی، مدیریت محلی و مدیریت روستایی به صورت فارسی در پایگاه‌های معتبر علمی خارجی^۲ و داخلی^۳ صورت گرفت. به منظور جستجوی معتبرترین عناوین علمی در حوزه پژوهش، جستجو در پایگاه WoS محدود به مستندات علمی با داوری دقیق شد و به منظور جستجوی به‌روزترین مستندات، دوره زمانی مطالعه به دوره ۲۰۲۴-۲۰۰۰ محدود شده و در پایگاه‌های داخلی نیز، مطالعات مربوط به سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۸۰ در نظر گرفته شد. در نهایت زبان‌های غیر از زبان انگلیسی از جستجو خارج شدند و کلیدواژه Local government به عنوان کلیدواژه اصلی در پایگاه WoS و معادل فارسی آن «مدیریت محلی» در پایگاه‌های داخلی جستجو شد. همچنین به منظور دسته‌بندی مطالعات مورد بررسی از محیط نرم‌افزاری Endnote استفاده شد.

1. Prisma statement
2. Web of Science (WoS)
3. Magiran, SID, Irandoc

معیارهای ورود و خروج مطالعات عبارت‌اند از:

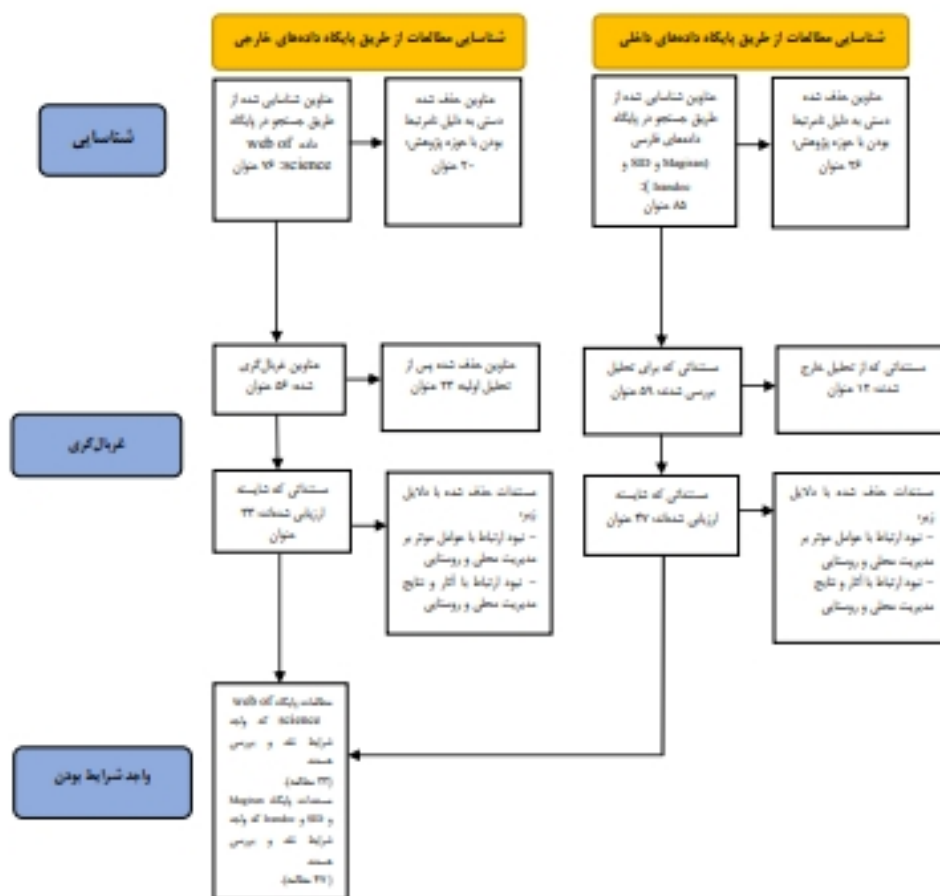
۱. انتشار مقاله و پایان‌نامه‌ها در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ و موضوع مقاله به نحوی در زمینه مدیریت روستایی، مدیریت محلی و یا موضوعات مرتبط با آن باشد.
۲. مستندات علمی انتشار یافته به زبان انگلیسی و فارسی باشد.
۳. مقاله دارای ساختار کامل باشد.
۴. مقاله در مجله‌های وزارت علوم و پایگاه‌های معتبر جهانی چاپ شده باشد.
۵. متن مقاله و پایان‌نامه کامل و قابل دانلود باشد (مواردی که تنها چکیده آن‌ها در دسترس بود، در نظر گرفته نشد).
۶. مقاله‌هایی که در همایش‌ها و کنفرانس‌ها ارائه شده و مقالاتی که در قالب آموزشی است، در نظر گرفته نشود تا بتوان به مطالعات دسته اول و معتبر در زمینه مباحث مورد نظر دسترسی پیدا کرد.

غربال‌گری مستندات

در جست‌وجوی اولیه، بر اساس کلیدواژه‌ها، ۱۶۱ عنوان مطالعه شناسایی شد. مقالات بازیابی شده در نرم‌افزار End note قرار گرفت. مقالات تکراری و مشترک در پایگاه‌های پیش‌گفته حذف و ۱۱۵ مطالعه وارد مرحله غربال‌گری شد. معیار غربال‌گری در این مرحله، ارتباط با موضوع مطالعه (عنوان، چکیده) و حذف موارد غیرمرتبط، مقاله‌های ارائه شده در همایش‌ها و مقاله‌های آموزشی بود که ۴۶ مورد در تحلیل اولیه کنار گذاشته شد و ۱۱۵ مطالعه باقی ماند. با توجه به معیار غربال‌گری (ناکافی و نامناسب بودن اطلاعات و کیفیت پایین مطالعات)، ۳۵ عنوان حذف شدند و در نهایت، ۸۰ مورد انتخاب شد. این فهرست شامل ۳۳ مطالعه خارجی و ۴۷ مطالعه داخلی است. لازم به ذکر است که پژوهش حاضر در سه مرحله شناسایی و تعیین، غربال‌گری و تدقیق و تحلیل انجام شده است. در مرحله شناسایی و تعیین، تمامی اطلاعات موجود درباره پژوهش جمع‌آوری و برداشت شد. در مرحله تدقیق، تمامی مقاله‌های گردآوری شده بر اساس پارامترهای ارزیابی (محورها و مقولات تحلیلی)، دسته‌بندی و تحلیل شدند و مستندات واجد شرایط مشخص شد.

تحلیل‌های موضوعی

در انجام پژوهش، ۳۳ منبع خارجی و ۴۷ منبع داخلی به طور جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. در مرحله تحلیل نیز، همه اطلاعات استخراج شده از مقاله‌های منتخب در بازه زمانی ۲۰۲۴-۲۰۰۰ و ۱۳۸۰-۱۴۰۲، پردازش، تحلیل و تفسیر شدند. در ادامه نتایج بررسی منابع مدنظر ارائه خواهد شد. فرآیند کامل در شکل ۱ نشان داده شده که از شکل جریان‌ی استاندارد پریزما برای انتخاب نظام‌مند مستندات واجد شرایط در این پژوهش استفاده می‌کند.



شکل ۱. شکل پریزما برای مرور نظام‌مند در حوزه عوامل موثر در مدیریت محلی

نتایج و بحث

به منظور بررسی چگونگی توزیع اطلاعات مربوط به بازه زمانی، پراکندگی جغرافیایی، موضوع و روش در ایران و جهان (پرسش اول پژوهش)، تحلیل‌های کتابشناسی از جنبه‌های مذکور مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله بعدی و در پاسخ به پرسش دوم پژوهش (الزامات و پیش‌شرطها (چالش‌ها) و عوامل موثر بر مدیریت محلی چه پیامدها و نتایجی را در پی دارد؟)، تحلیل محتوای واژگان کلیدی به منظور شناسایی حوزه‌های مفهومی دربرگیرنده مدیریت محلی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده در ادامه آرایه شده است.

توزیع زمانی مستندات

بر اساس اطلاعات پایگاه‌های داخلی و خارجی، در حوزه مدیریت محلی روستایی فراز و فرودهایی در تعداد مطالعات وجود دارد و تعداد انتشارات سیری متغیر داشته است. تعداد مستندات ارزیابی شده بر مبنای بازه زمانی در جدول ۱ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از مجموع ۸۰ مستند مورد مطالعه، ۲۶ مستند در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ و ۵۴ مستند در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ قرار گرفته است و تعداد انتشارات در دهه اخیر تاحدی روبه رشد بوده است.

جدول ۱. تعداد مستندات ارزیابی شده بر مبنای بازه زمانی

بازه زمانی	مستندات داخلی	مستندات خارجی	مجموع مستندات
۲۰۰۰-۲۰۱۵	۱۹	۷	۲۶
۲۰۱۵-۲۰۲۳	۲۸	۲۶	۵۴
مجموع	۴۷	۳۳	۸۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

پراکندگی جغرافیایی مستندات

تعداد مستندات ارزیابی شده بر مبنای پراکندگی جغرافیایی در جدول ۲ آورده شده است. بر اساس اطلاعات مندرج در این جدول، از مجموع ۸۰ مورد مطالعه، ۲۲ مطالعه مربوط به پژوهش‌های صورت گرفته در منطقه آسیا، ۷ مطالعه مربوط به کشورهای اروپایی و ۲ مطالعه مربوط به کشورهای آفریقایی، ۱ مطالعه مربوط به استرالیا و ۴۸ مطالعه مربوط به ایران بوده است. همچنین پراکندگی جغرافیایی مطالعات بیانگر این مطلب است که شمار زیادی از مطالعات مربوط به این حوزه در ایران صورت گرفته است.

جدول ۲. تعداد مستندات ارزیابی شده بر مبنای پراکندگی جغرافیایی

حوزه جغرافیایی	تعداد مستندات
آسیا	۲۲
اروپا	۷
آفریقا	۲
استرالیا	۱
ایران	۴۸
مجموع	۸۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای مستندات بر مبنای روش

جدول ۳ نشان دهنده تعداد مستندات ارزیابی شده بر مبنای روش است. همان طور که مشاهده می شود، به لحاظ روش پژوهش به کاررفته در مستندات، ۴۰ مطالعه به روش کمی، ۲۴ مطالعه به صورت کیفی و ۱۶ مطالعه به صورت آمیخته (کمی و کیفی) انجام شده است. روش های به کاررفته در پژوهش ها عبارت اند از: پرسش نامه، مصاحبه، روش پژوهش اسنادی، تحلیل ثانویه، روش های آماری و آینده پژوهی. در مطالعات خارجی روش آمیخته و کیفی بیشتر از روش کمی به کار گرفته شده بود، این در حالیست که در مطالعات داخلی از روش کمی بیشتر از سایر روش ها استفاده شده است. به طور کلی روش بکار گرفته شده در مطالعات، اغلب به صورت کمی بوده است.

جدول ۳. تعداد مستندات ارزیابی شده بر مبنای روش

شمار مستندات (روش کمی)	شمار مستندات (روش کیفی)	شمار مستندات (روش آمیخته)
۴۰	۲۴	۱۶

مأخذ: یافته های پژوهش

تحلیل محتوای مستندات بر مبنای موضوع

نتایج مطالعه در خصوص موضوعات مورد ارزیابی نشان داد که از مجموع ۸۰ مورد بررسی، ۴۵ مورد مربوط به مباحث مدیریت روستایی، ۲۴ مطالعه معطوف به مدیریت محلی و ۱۱ مطالعه مربوط به چالش های مدیریت روستایی است. با توجه به بررسی مطالعات انجام شده تقریباً نیمی از مستندات مورد بررسی در حوزه مدیریت روستایی بوده اند. این در حالی است که تعداد خیلی اندکی از مطالعات بر مدیریت روستاهای کوچک تمرکز داشته اند و این امر بیانگر خلاء مطالعاتی در این حوزه بوده که سعی شده است با تطبیق مطالعات مرتبط در حوزه مدیریت محلی، این خلاء رفع شود (جدول ۴).

جدول ۴. تعداد مستندات ارزیابی شده بر مبنای موضوع

محدوده موضوعی	مدیریت روستایی	مدیریت محلی	چالش های مدیریت روستایی	مجموع
تعداد مستندات	۴۵	۲۴	۱۱	۸۰

مأخذ: یافته های پژوهش

مرور نظام‌مند عوامل موثر بر الگوی.....

در ارزیابی جزئی‌تر، منابع مرتبط با موضوع پژوهش شامل مطالعات حوزه عوامل موثر بر مدیریت روستایی، چالش‌ها و الزامات مدیریت روستایی و پیامدها و نتایج حاصل از آن بررسی شد که نتایج در جدول ۵ ارایه شده است.

جدول ۵. الزامات، عوامل مؤثر، نتایج و پیامدهای برگرفته از بررسی منابع

ردیف	نام نویسندگان	سال	الزامات و پیش‌شرطها	عوامل تاثیرگذار	پیامدها
۱	Mozafari Vanani & Jafari	2024			✓
۲	Firouznia et al	2022		✓	
۳	Mozafari Vanani & Jafari	2024			✓
۴	Shafieisabe & Khaksar	2022	✓		
۵	Alizadeh et al	2022			✓
۶	Anabestani & Nazari	2022		✓	
۷	Qasemnejad et al	2021		✓	
۸	Jafari et al	2021		✓	
۹	Shafiei Sabet & Ebrahimipour	2021		✓	✓
۱۰	Afsharipour et al	2020	✓		
۱۱	Molaei Hashjin et al	2018			✓
۱۲	Shahbazi & Sharif Tehrani	2018	✓	✓	
۱۳	Heidari Sarban	2016		✓	
۱۴	Darban Astane	2015	✓		
۱۵	Faraji Sabokbar et al	2014	✓		
۱۶	Moradi & Agahi	2014	✓		
۱۷	Yarihesar et al	2013		✓	
۱۸	Rezvani	2012		✓	
۱۹	Badri & Mousavi	2012	✓		
۲۰	Dastjerdi et al	2010		✓	
۲۱	Kulsum & Bratamanggala	2024		✓	
۲۲	Yin et al.,	2024		✓	
۲۳	Mustakangas & Vihinen	2024		✓	
۲۴	Ma & Su	2024		✓	
۲۵	Berceanu & Nicolescu	2024		✓	✓
۲۶	Putri et al	2024	✓		
۲۷	Nuh et al	2024		✓	
۲۸	Todapa	2024		✓	

پیامدها	عوامل تاثیرگذار	الزامات و پیش شرطها	سال	نام نویسندگان	ردیف
✓	✓		2024	Butarbutar et al	۲۹
	✓		2023	Zaitul et al	۳۰
	✓		2023	Darmawan et al	۳۱
	✓		2023	Yohanes & Siprianus	۳۲
✓	✓		2021	Basri et al	۳۳
	✓		2021	Tóth & Káposzta	۳۴
	✓		2021	Aizuddin et al	۳۵
✓	✓		2020	Sabet & Khaksar.	۳۶
✓	✓	✓	2020	Zou et al	۳۷
		✓	2020	Boudet et al	۳۸
	✓		2020	Ngo Sy Trung et al	۳۹
		✓	2020	Wasihun Bezabih Bekele& Fikre Yohanes Ago	۴۰
	✓		2019	World Bank	۴۱
	✓		2019	Tun Mohd Izlizam Bahardin Zuraini Alias Mokhtar Abdullah	۴۲
	✓		2018	Ricardo Corrêa Gomes Stephen P. Osborne Patricia Guarnieri	۴۳
✓	✓	✓	2018	Afamefuna Samuel Ogbette & Macben Otu Idam	۴۴
✓			2017	Aizuddin	۴۵
		✓	2017	Oláh	۴۶
	✓		2015	Darin Khongsatjaviwat Jayant K. Routray	۴۷
	✓			Morrison	۴۸
	✓		2012	Dragoş DINCĂ	۴۹
✓	✓		2011	Rashidpour Loghman Farajallah Hosseini Seyed Jamal Mirdamadi Seyed Mahdi	۵۰
	✓		2008	Wenchang	۵۱
		✓	2006	Thomas Dax	۵۲
✓			2001	Chakrabarty	۵۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

الزامات و پیش‌شرطها

برای درک بهتر الزامات و پیش‌شرطهای ارائه الگوی مدیریت محلی در سکونتگاه‌های روستایی، به یک تحلیل عمیق نیاز است. از این‌رو، ابتدا باید یک دسته‌بندی کلی از الزامات و پیش‌شرطها فراهم شود. شایان ذکر است که چالش‌های ارائه الگوی مدیریت محلی نمایانگر الزامات و پیش‌شرطهای ارائه الگوی مدیریت محلی هستند. با توجه به بررسی منابع مرتبط با موضوع مورد مطالعه، پیش‌شرطها و الزاماتی که ضرورت ارائه الگوی مدیریت محلی در سکونتگاه‌های روستایی را توجیه می‌کند در یک دسته‌بندی کلی به شرح جدول ۶ است.

جدول ۶. دسته‌بندی الزامات و پیش‌شرطهای اثرگذار مدیریت محلی سکونتگاه‌های روستایی

نوع چالش	مفهوم	تعریف
چالش‌های ساختاری و قانونی	نبود وجود مدیریت واحد روستایی	۱. نبود یک نهاد مشخص و مسئول برای تصمیم‌گیری و اجرای امور روستایی.
	نبود قوانین و مقررات مناسب	۲. نبود تطابق قوانین با نیازهای خاص روستاها و تغییرپذیری آنها.
	تمرکزگرایی و نبود واگذاری امور به مردم	۳. تمرکز تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر و نبود مشارکت واقعی مردم در مدیریت روستا.
	ضعف جایگاه قانونی دهیار	۴. نبود تعریف دقیق وظایف و اختیارات دهیار و نبود حمایت کافی از وی.
چالش‌های مالی	کمبود منابع مالی پایدار	۱. وابستگی بیش از حد به بودجه‌های دولتی و نبود توانایی روستاها در جذب منابع مالی مستقل.
	توزیع نامناسب منابع	۲. تمرکز منابع بر مناطق شهری و محرومیت روستاها از خدمات و امکانات.
	هزینه بالای خدمات‌رسانی به روستاهای کوچک و پراکنده	۳. نبود توجیه اقتصادی ارائه خدمات به روستاهای کم جمعیت
چالش‌های اجتماعی و فرهنگی	ضعف مشارکت مردم	۱. نبود علاقه و مشارکت مردم در امور روستا و تصمیم‌گیری‌های محلی
	نبود اعتماد به نهادهای محلی	۲. نبود اعتماد مردم به دهیاری و شورا و نهادهای دیگر
	ضعف سرمایه اجتماعی	۳. کمبود روابط اجتماعی و اعتماد بین اهالی روستا
	نبود توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر سکونتگاه	۴. نبود در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روستاها در برنامه‌ریزی
چالش‌های مدیریتی	ضعف در آموزش نیروی انسانی	۱. کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده در حوزه مدیریت روستایی
	نبود هماهنگی بین سازمان‌ها	۲. نبود هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در ارائه خدمات به روستاها
	کمبود تجهیزات و امکانات	۳. نبود تجهیزات و امکانات لازم برای اجرای برنامه‌های توسعه روستایی
	نبود استفاده از روش‌های نوین مدیریت	۴. نبود استفاده از روش‌های نوین مدیریت و برنامه‌ریزی در روستاها

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به چالش‌های ذکر شده، برای ارائه یک الگوی موفق مدیریت محلی در سکونتگاه‌های روستایی، به موارد زیر نیاز است:

- **تعیین یک نهاد واحد و مسئول:** تعیین یک نهاد مشخص با اختیارات کافی برای مدیریت امور روستا.
- **بازنگری در قوانین و مقررات:** اصلاح قوانین و مقررات موجود و تدوین قوانین جدید متناسب با نیازهای روستاها.
- **توزیع عادلانه منابع:** توزیع عادلانه منابع مالی و امکانات بین روستاها و اولویت‌بندی مناطق محروم.
- **تقویت مشارکت مردم:** ایجاد سازوکارهای مناسب برای مشارکت فعال مردم در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ها.
- **آموزش نیروی انسانی:** برگزاری دوره‌های آموزشی برای دهیاران، شوراها و اهالی روستا در زمینه‌های مختلف مدیریت.
- **استفاده از روش‌های نوین مدیریت:** استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و روش‌های نوین مدیریت در روستاها.
- **توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر سکونتگاه:** طراحی برنامه‌های توسعه متناسب با شرایط و ویژگی‌های هر روستا.
- **تقویت سرمایه اجتماعی:** ایجاد اعتماد بین اهالی روستا و تقویت روابط اجتماعی.

مدیریت روستایی به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی برای نیل به توسعه روستایی، متاثر از راهبردهای کلان ملی و نیز رهیافت‌های موجود در زمینه مدیریت است. رهیافت‌های مدیریت شامل رهیافت‌های سنتی، منابع انسانی، کمی و رهیافت‌های سیستمی و اقتضایی است که با توجه به آن که توسعه مفهومی چند بعدی است، به نظر می‌رسد بهترین رویکرد در زمینه مدیریت روستایی رویکرد سیستمی و اقتضایی باشد. رهیافت‌های جدید در مدیریت بر این نکته تأکید می‌کنند که هیچ مدل یا نظریه‌ای وجود ندارد تا بتوان آن را در همه وضعیت‌ها و تحت شرایط متفاوت به کار برد. رویکرد اقتضایی به مدیریت را می‌توان نقطه اوج علم مدیریت دانست؛ زیرا که این رویکرد میدان عمل مدیران و راهبران مدیریت در سازمان‌ها را وسیع و قدرت عمل آنها را افزایش می‌دهد (Rezaian, 2001). به نظر می‌رسد با توجه به تنوع جغرافیایی کشور و وجود اختلافات بسیار در عرصه‌های روستایی، پیچیدن نسخه واحد برای تمامی روستاها عمل منطقی و صحیحی نباشد. در این زمینه لازم

مرور نظام‌مند عوامل موثر بر الگوی.....

است با دیدگاهی سیستمی، ملاک‌های انعطاف‌پذیری را برای برنامه‌ریزی روستایی در نظر گرفت. در خصوص مدیریت در روستاهای کوچک نیز باید ضمن توجه به این رویکرد از هرگونه مطلق‌گرایی پرهیز شود. مدیریت مؤثر و پایدار سکونتگاه‌های روستایی کوچک در ایران با چالش‌های متعددی روبرو است که ریشه در عوامل مختلفی از جمله ساختاری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی دارد. این چالش‌ها به طور مستقیم بر کیفیت زندگی روستاییان، بهره‌وری منابع و توسعه پایدار مناطق روستایی تأثیر می‌گذارند. برخی از مهمترین چالش‌های پیش روی مدیریت محلی در سکونتگاه‌های روستایی کوچک در ایران به شرح جدول جدول ۷ است.

جدول ۷. چالش‌های پیش روی مدیریت پایدار سکونتگاه‌های روستایی کوچک در ایران

چالش	ابعاد
چالش‌های ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> • پراکندگی روستاها و زیرساخت‌های ناکافی: فاصله زیاد بین روستاها، دسترسی محدود به جاده‌های مناسب، نبود یا کمبود زیرساخت‌های ارتباطی و تأسیسات عمومی، ارائه خدمات و مدیریت مؤثر را با مشکل مواجه می‌کند. • نبود تناسب قوانین و مقررات با شرایط روستایی: بسیاری از قوانین و مقررات موجود در کشور برای مناطق شهری تدوین شده‌اند و با شرایط خاص روستاها سازگاری ندارند. این امر باعث ایجاد موانع در تصمیم‌گیری محلی و اجرای برنامه‌های توسعه می‌شود. • ضعف نهادهای محلی: نهادهای محلی مانند دهیاری‌ها اغلب با کمبود منابع مالی، نیروی انسانی متخصص و اختیارات کافی روبرو هستند. این امر باعث کاهش کارایی و اثربخشی آنها در مدیریت امور روستا می‌شود. • تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری: تمرکز تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر و نبود واگذاری اختیارات کافی به نهادهای محلی، مانع از مشارکت فعال روستاییان در اداره امور خود می‌شود.
	<ul style="list-style-type: none"> • کمبود منابع مالی پایدار: روستاهای کوچک اغلب با کمبود منابع مالی پایدار روبرو هستند که باعث محدودیت در اجرای پروژه‌های عمرانی و ارائه خدمات می‌شود. • وابستگی به درآمدهای کشاورزی: بسیاری از روستاییان به درآمدهای کشاورزی وابسته هستند که تحت تأثیر عوامل طبیعی مانند خشکسالی و تغییرات اقلیمی قرار دارد. • مهاجرت روستایی: مهاجرت جوانان به شهرها به دلیل نبود فرصت‌های شغلی و درآمدی مناسب، باعث کاهش جمعیت روستاها و پیری جمعیت روستایی می‌شود.
	<ul style="list-style-type: none"> • ضعف مشارکت مردمی: نبود مشارکت فعال روستاییان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه، یکی از چالش‌های اساسی در مدیریت روستایی است. • تغییر سبک زندگی و ارزش‌ها: تغییر سبک زندگی روستاییان و گرایش به سبک زندگی شهری، باعث کاهش ارزش‌های سنتی و تضعیف بافت اجتماعی روستاها می‌شود. • فقر فرهنگی و آموزشی: کمبود امکانات آموزشی و فرهنگی در روستاها، باعث محدود شدن فرصت‌های توسعه فردی و اجتماعی روستاییان می‌شود.
	<ul style="list-style-type: none"> • تخریب محیط‌زیست: بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، تغییر کاربری اراضی و آلودگی محیط‌زیست، تهدیدی جدی برای پایداری روستاها است. • تغییرات اقلیمی: افزایش دمای هوا، خشکسالی، سیل و سایر پدیده‌های طبیعی ناشی از تغییرات اقلیمی، بر معیشت روستاییان و منابع طبیعی تأثیر می‌گذارد.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش حاضر در زمینه پیش‌شرطها و الزامات مدیریت محلی روستایی، به‌ویژه در روستاهای کوچک و پراکنده، با یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی هم‌خوانی دارد، اما در برخی جنبه‌ها، جزئیات و تأکیدات متفاوتی ارائه می‌دهد. پیش‌شرطها و الزامات شناسایی‌شده در این پژوهش شامل ایجاد نهاد واحد و مسئول، بازنگری قوانین متناسب با شرایط روستایی، توزیع عادلانه منابع مالی، تقویت مشارکت مردمی، آموزش نیروی انسانی، استفاده از روش‌های نوین مدیریت، توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر سکونتگاه، و تقویت سرمایه اجتماعی است (جدول ۶). این موارد با مطالعات داخلی و خارجی مقایسه شده تا نقاط اشتراک و تفاوت‌ها مشخص شوند.

در مطالعات داخلی، شفیعی‌ثابت و خاکسار (Shafiei Sabet & Khaksar, 2022) به ضعف مشارکت مردمی و کمبود اعتماد به نهادهای محلی به‌عنوان موانع اصلی اشاره کرده‌اند، که با یافته‌های این پژوهش در مورد لزوم تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی مطابقت دارد. افشاری‌پور و همکاران (Afsharipour et al., 2020) بر کمبود منابع مالی پایدار و عدم تطابق قوانین با شرایط روستایی تأکید دارند که با چالش‌های مالی و قانونی شناسایی‌شده در این پژوهش هم‌خوانی دارد. شهبازی و شریف‌تهرانی (Shahbazi & Sharif Tehrani, 2018) به اهمیت آموزش نیروی انسانی و هماهنگی بین سازمان‌ها اشاره کرده‌اند که با الزامات پیشنهادی این پژوهش برای آموزش و استفاده از روش‌های نوین مدیریتی هم‌سو است. دربان‌آستانه (Darban Astane, 2015) بر مشکلات ساختاری مانند نبود مدیریت واحد و تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری تأکید کرده‌اند که با یافته‌های این پژوهش در مورد چالش‌های ساختاری و قانونی مطابقت دارد. فرجی‌سبکبار و همکاران (Faraji Sabokbar et al., 2013)، دربان‌آستانه (Darban Astane, 2015) و مرادی و آگهی (Moradi & Agahi, 2014)، نیز به‌طور خاص به ضعف زیرساخت‌ها، کمبود منابع مالی، و نبود تناسب قوانین با شرایط روستایی اشاره کرده‌اند که با الزامات شناسایی‌شده در این پژوهش مانند توزیع عادلانه منابع و بازنگری قوانین مطابقت دارد. با این حال، این پژوهش به‌طور خاص بر توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر سکونتگاه تأکید دارد که در مطالعات داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در مطالعات خارجی نیز بر اهمیت تقویت نهادهای محلی و مشارکت مردمی برای مدیریت مؤثر روستایی تأکید شده است که با الزامات این پژوهش برای تقویت نهادهای محلی و جلب مشارکت مردمی هم‌خوانی دارد. پوتری و همکاران (Putri et al., 2024) بر تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی برای جلوگیری از فساد در مدیریت محلی تأکید کرده‌اند که با یافته‌های

این پژوهش در مورد تقویت سرمایه اجتماعی هم‌خوانی دارد. زو و همکاران (Zou et al., 2020) و بودت و همکاران (Boudet et al., 2020) به اهمیت حفاظت از محیط زیست و استفاده از منابع پایدار در مدیریت روستایی اشاره کرده‌اند که با تأکید این پژوهش بر توجه به ویژگی‌های محیطی و کاهش تأثیرات منفی زیست‌محیطی هم‌سوست. با این حال، این پژوهش به‌طور خاص بر لزوم طراحی برنامه‌های توسعه متناسب با ویژگی‌های هر روستا تأکید دارد که در مقایسه با مطالعات خارجی، جزئیات بیشتری در مورد تنوع جغرافیایی و محلی ارائه می‌دهد.

به‌طور کلی، پیش‌شرطها و الزامات شناسایی شده در این پژوهش با یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی مطابقت دارد، اما با ارائه چارچوبی جامع‌تر و تأکید بر ویژگی‌های منحصر به فرد هر سکونتگاه و استفاده از فناوری‌های نوین، رویکردی سیستمی‌تر و اقتضایی‌تر ارائه می‌دهد. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که در حالی که مطالعات پیشین به چالش‌های کلی مانند کمبود منابع مالی و ضعف مشارکت مردمی پرداخته‌اند، این پژوهش با تمرکز بر نیازهای خاص روستاهای کوچک و پراکنده، راهکارهای عملی‌تری مانند تدوین قوانین متناسب و تقویت سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌کند.

عوامل اثرگذار بر ارائه الگوی کارآمد مدیریت محلی

با توجه به اهمیت جامعه روستایی در نظام تولید کشاورزی کشور، ضروری است تا در چارچوب توسعه ملی، مقوله روستا و توسعه روستایی عمیق‌تر بررسی شود، چرا که تأمین مواد غذایی و خودکفایی نسبی جز از طریق متحول ساختن روستاهای کشور میسر نیست. این مهم تنها با اعمال مدیریت شایسته و کارآمد و بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریتی و توجه به تمام فضاهای روستایی امکان‌پذیر است. نظام مدیریت روستایی ایران طی سال‌ها به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی‌های پیچیده‌ای داشته است (Dastjerdi et al., 2010) و خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها به‌خصوص نواحی روستایی کوچک در دهه‌های اخیر مشکلات فراوانی را برای روستائیان ایجاد کرده است (Ghasemi, 2025) و این امر لازمه توجه به فضاهای روستایی را در قالب یک کلیت واحد به نام سازمان فضایی نظام روستایی از طریق بکارگیری و اجرای یک الگوی مدیریت پایدار ضروری ساخته است. مدیریت مؤثر در روستاها تحت تأثیر مجموعه‌ای پیچیده از عوامل مختلفی است که در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیطی عمل می‌کنند. این عوامل با هم در تعامل بوده و تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. شناسایی و کشف روابط بین این عوامل، سیاست‌گذاران حوزه روستایی را در اتخاذ الگوی مدیریتی پایدار و اجرای آن هدایت و حمایت خواهند کرد. نتایج حاصل از مرور پژوهش‌های پیشین نشان داد که در مدیریت روستایی عواملی مختلفی دخیل‌اند که می‌توان آنها را در ۵ بُعد دسته‌بندی کرد.

جدول ۸. عوامل موثر بر الگوی کارآمد مدیریت روستایی

ابعاد و عوامل	نقش
عوامل انسانی	۱. مشارکت مردمی: سطح مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای طرح‌ها به طور مستقیم بر موفقیت مدیریت روستایی تأثیرگذار است. افزایش آگاهی، آموزش و توانمندسازی روستاییان، اعتماد به نهادهای محلی و ایجاد حس مالکیت نسبت به روستا، از جمله عوامل تقویت‌کننده مشارکت مردمی هستند.
	۲. نقش دولت: نقش دولت در حمایت از توسعه روستایی، ارائه خدمات عمومی، تخصیص منابع مالی و ایجاد زیرساخت‌ها بسیار مهم است. همچنین، تدوین سیاست‌های مناسب و ایجاد چارچوب قانونی مناسب برای مدیریت روستایی از وظایف دولت است.
	۳. توانمندسازی: توانمندسازی روستاییان در زمینه‌های مختلف از جمله مدیریت، فنی و حرفه‌ای، می‌تواند به افزایش بهره‌وری و پایداری روستاها کمک کند.
	۴. مسئولیت‌پذیری: احساس مسئولیت‌پذیری در بین روستاییان و مدیران محلی، یکی از عوامل کلیدی در موفقیت مدیریت روستایی است.
	۵. آموزش: آموزش و ارتقاء سطح آگاهی روستاییان در زمینه‌های مختلف از جمله کشاورزی، بهداشت، محیط‌زیست و مدیریت، از عوامل مهم توسعه روستایی است.
	۶. سیستم اطلاعاتی: دسترسی به اطلاعات دقیق و به‌روز در مورد روستا و منطقه، به تصمیم‌گیری بهتر و برنامه‌ریزی مؤثر کمک می‌کند.
عوامل اجتماعی-فرهنگی	۱. سرمایه اجتماعی: میزان اعتماد، همکاری و همبستگی بین روستاییان، به عنوان سرمایه اجتماعی، نقش مهمی در توسعه روستایی ایفا می‌کند.
	۲. ارزش‌ها و نگرش‌ها: ارزش‌ها و نگرش‌های حاکم بر جامعه روستایی، بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای روستاییان تأثیر می‌گذارد.
	۳. ساختار اجتماعی: ساختار اجتماعی روستا، شامل روابط قدرت، نابرابری‌ها و گروه‌های اجتماعی، بر نحوه مدیریت روستا تأثیرگذار است.
عوامل اقتصادی	۱. منابع درآمدی: تنوع منابع درآمدی روستا و پایداری آن‌ها، بر وضعیت اقتصادی روستا و توانایی آن در سرمایه‌گذاری و توسعه تأثیرگذار است.
	۲. بیکاری و مهاجرت: نرخ بیکاری و مهاجرت از روستا به شهر، بر جمعیت و نیروی کار روستا تأثیر گذاشته و بر ارائه خدمات و توسعه روستا تأثیرگذار است.
	۳. توزیع درآمد: توزیع عادلانه درآمد در روستا، به کاهش نابرابری‌ها و افزایش رفاه عمومی کمک می‌کند.
عوامل ساختاری-نهادی	۱. قوانین و مقررات: قوانین و مقررات حاکم بر مدیریت روستایی، باید با شرایط خاص روستا سازگار بوده و از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار باشند.
	۲. نهادهای محلی: نقش نهادهای محلی مانند دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی بسیار مهم است.
	۳. ساختار مدیریتی: ساختار مدیریتی روستا و نحوه تقسیم وظایف بین نهادهای مختلف، بر کارایی و اثربخشی مدیریت روستایی تأثیرگذار است.
عوامل محیطی فضایی	۱. منابع طبیعی: دسترسی به منابع طبیعی مانند آب، خاک و پوشش گیاهی، بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستا تأثیرگذار است.
	۲. تغییرات اقلیمی: تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی، تهدیدی جدی برای پایداری روستاها هستند.
	۳. محیط زیست: حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار، از جمله اهداف مهم مدیریت روستایی است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ارزیابی عوامل مؤثر بر مدیریت محلی روستایی در پژوهش حاضر (جدول ۸) شامل ابعاد انسانی (مشارکت مردمی، نقش دولت، توانمندسازی، مسئولیت‌پذیری، آموزش، سیستم اطلاعاتی)، اجتماعی- فرهنگی (سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ساختار اجتماعی)، اقتصادی (منابع درآمدی، بیکاری و مهاجرت، توزیع درآمد)، ساختاری- نهادی (قوانین و مقررات، نهادهای محلی، ساختار مدیریتی)، و محیطی- فضایی (منابع طبیعی، تغییرات اقلیمی، محیط زیست) است. این عوامل با یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی مقایسه شده‌اند تا نقاط اشتراک، تفاوت‌ها، و ویژگی‌های خاص هر مطالعه مشخص شوند.

در مطالعات داخلی، فیروزنیا و همکاران (Firouznia et al., 2022) بر نقش کلیدی منابع درآمدی متنوع مانند توسعه صنایع تبدیلی و گردشگری روستایی در تقویت اقتصاد محلی تأکید کرده‌اند که با عامل اقتصادی این پژوهش (منابع درآمدی) هم‌خوانی دارد. قاسم‌نژاد و همکاران (Qasemnejad et al., 2021) به اهمیت توانمندسازی روستاییان از طریق آموزش‌های حرفه‌ای اشاره کرده‌اند که با عامل انسانی (آموزش و توانمندسازی) همسو است. عنابستانی و نظری (Anabestani & Nazari, 2022) بر تقویت سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد تعاونی‌های محلی تأکید دارند که با عامل اجتماعی- فرهنگی (سرمایه اجتماعی) مطابقت دارد. جعفری و همکاران (Jafari et al., 2021) به تأثیر قوانین نامناسب بر مدیریت محلی اشاره کرده‌اند که با عامل ساختاری- نهادی (قوانین و مقررات) هم‌راستاست. شفیعی‌ثابت و ابراهیم‌پور (Shafiei Sabet & Ebrahimipour, 2021) بر ضرورت مشارکت مردمی و تقویت نهادهای محلی مانند دهیاری‌ها تأکید کرده‌اند که با عوامل انسانی (مشارکت مردمی) و ساختاری- نهادی (نهادهای محلی) این پژوهش هم‌خوانی دارد. افشاری‌پور و همکاران (Afsharipour et al., 2020) بر کمبود منابع مالی و ضعف زیرساخت‌ها به‌عنوان موانع اقتصادی تأکید دارند که با عوامل اقتصادی (منابع درآمدی) و ساختاری- نهادی (زیرساخت‌ها) این پژوهش مطابقت دارد. شهبازی و شریف‌تهرانی (Shahbazi & Sharif Tehrani, 2018) به ضعف هماهنگی بین سازمان‌ها اشاره کرده‌اند که با عامل ساختاری- نهادی (ساختار مدیریتی) همسو است. یاری‌حصار و همکاران (Yarihesar et al., 2013) به ضعف قوانین و مقررات و نبود مدیریت واحد اشاره کرده‌اند که با عوامل ساختاری- نهادی این پژوهش هم‌خوانی دارد. با این حال، این پژوهش با تأکید بر سیستم اطلاعاتی و استفاده از فناوری‌های نوین، رویکردی جامع‌تر ارائه می‌دهد که در برخی مطالعات داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در مطالعات خارجی، زایتول و همکاران (Zaitul & Neva, 2023) بر اهمیت سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی در بهبود مدیریت محلی تأکید کرده‌اند که با عامل اجتماعی- فرهنگی (سرمایه اجتماعی) و انسانی (مشارکت مردمی) این پژوهش هم‌خوانی دارد. همچنین در بررسی مقالات خارجی به نقش قوانین منعطف و متناسب با شرایط محلی اشاره شده است که با عامل ساختاری- نهادی (قوانین و مقررات) هم‌سوست.

این پژوهش با ارائه چارچوبی جامع که تمامی ابعاد انسانی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، ساختاری- نهادی، و محیطی- فضایی را در بر می‌گیرد، نسبت به بسیاری از مطالعات پیشین تمایز دارد. به‌ویژه، تأکید بر سیستم اطلاعاتی و استفاده از فناوری‌های نوین، و همچنین توجه به تنوع جغرافیایی و محلی در طراحی الگوهای مدیریتی در این پژوهش پررنگ‌تر است. برای مواجهه با این عوامل متنوع، مدیران محلی نیازمند دانش و تجربه در زمینه‌های مختلف از جمله مدیریت منابع، فناوری اطلاعات، و تعاملات اجتماعی هستند. همچنین، همکاری با اقصاء مختلف جامعه از جمله روستاییان، نهادهای محلی، و دولت برای اجرای مؤثر این الگوها ضروری است.

در مجموع بر اساس مرور نظام‌مند انجام‌شده در این پژوهش، عوامل مؤثر بر الگوی مدیریت محلی روستاها در ابعاد مختلف ساختاری، قانونی، مالی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی، انسانی، اقتصادی و محیطی شناسایی شده و در مقایسه این عوامل با وضعیت کنونی مدیریت محلی در روستاهای کوچک و پراکنده ایران مشخص شد که در الگوی وضع موجود، مدیریت محلی عمدتاً از طریق شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها انجام می‌شود. این در حالی است که در روستاهای کوچک با جمعیت کمتر از ۲۰ خانوار یا ۱۰۰ نفر به دلیل نبود شرایط لازم برای تأسیس این نهادها، مدیریت رسمی محلی غالباً وجود ندارد. این وضعیت با چالش‌های استخراج‌شده از پژوهش- مانند نبود مدیریت واحد و تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری- هم‌خوانی دارد. این پژوهش بر ضرورت ایجاد یک نهاد مشخص با اختیارات کافی و بازنگری قوانین برای تطبیق با نیازهای روستاها تأکید می‌کند، در حالی که در الگوی کنونی، قوانین عمدتاً برای مناطق شهری طراحی شده‌اند و با شرایط روستایی سازگار نیستند به طوری که منجر به ناکارآمدی مدیریت محلی می‌شود.

از نظر مالی، نتایج پژوهش کمبود منابع مالی پایدار، توزیع نامناسب منابع و هزینه بالای خدمات‌رسانی به روستاهای پراکنده را به عنوان چالش‌های کلیدی شناسایی کرده است. این موارد با وضع موجود هم‌خوانی دارند، زیرا روستاهای ایران به شدت به بودجه‌های دولتی وابسته‌اند و منابع مالی مستقل محدودی دارند. پژوهش پیشنهاد می‌دهد که با ایجاد منابع درآمدی متنوع مانند

گردشگری روستایی و صنایع تبدیلی، این وابستگی کاهش یابد، اما در الگوی کنونی، چنین اقداماتی به طور محدود اجرا شده‌اند و توزیع منابع همچنان ناعادلانه است. از منظر اجتماعی و فرهنگی، ضعف مشارکت مردمی، نبود اعتماد به نهادهای محلی و تغییر سبک زندگی به سمت شهری شدن در الگوی وضع موجود مشهود است. پژوهش بر تقویت سرمایه اجتماعی، آموزش و توانمندسازی روستاییان برای جلب مشارکت تأکید دارد، اما در وضعیت کنونی، به دلیل کمبود برنامه‌های آموزشی و ضعف نهادهای محلی، این جنبه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در بعد مدیریتی، پژوهش به کمبود نیروی انسانی متخصص، نبود هماهنگی بین سازمان‌ها و عدم استفاده از فناوری‌های نوین اشاره می‌کند که با الگوی وضع موجود مطابقت دارد، زیرا دهیاری‌ها در بسیاری از موارد فاقد منابع و تخصص کافی هستند و فناوری‌های نوین به ندرت در مدیریت روستایی به کار گرفته می‌شوند. پژوهش پیشنهاد می‌دهد که با آموزش نیروی انسانی و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات، کارایی مدیریت بهبود یابد، در حالی که این موارد در الگوی کنونی به طور گسترده اجرا نشده‌اند. عوامل انسانی مانند مشارکت مردمی، نقش دولت و توانمندسازی، و عوامل اقتصادی مانند منابع درآمدی و مهاجرت نیز در پژوهش برجسته شده‌اند. در الگوی وضع موجود، نقش دولت به تخصیص بودجه محدود شده و مهاجرت جوانان به شهرها به دلیل نبود فرصت‌های شغلی ادامه دارد، اما پژوهش بر ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید و توانمندسازی روستاییان تأکید می‌کند که در وضعیت کنونی کمتر دیده می‌شود.

از نظر محیطی، پژوهش تخریب منابع طبیعی و تأثیرات تغییرات اقلیمی را به عنوان چالش‌های اصلی شناسایی کرده است که با وضع موجود مطابقت دارد، زیرا بهره‌برداری بی‌رویه و خشکسالی‌ها پایداری روستاها را تهدید می‌کنند. پژوهش پیشنهاد می‌دهد که با مدیریت پایدار منابع و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، این مشکلات کاهش یابد، اما در الگوی کنونی، چنین اقداماتی به صورت پراکنده انجام شده‌اند. به طور کلی، عوامل استخراج‌شده چارچوبی جامع‌تر ارائه می‌دهند که بر رویکرد یکپارچه، مشارکت مردمی، تقویت نهادهای محلی و استفاده از فناوری‌های نوین تأکید دارد. در مقابل، الگوی وضع موجود به دلیل فقدان رویکرد سیستمی و اقتضایی، نتوانسته به طور مؤثر این چالش‌ها را برطرف کند. برای بهبود وضعیت کنونی، تدوین قوانین متناسب با روستاها، افزایش اختیارات نهادهای محلی، توسعه منابع درآمدی پایدار، تقویت مشارکت مردمی و حفاظت از محیط زیست ضروری است. این مقایسه نشان می‌دهد که اجرای پیشنهادهای پژوهش می‌تواند شکاف بین الگوی کنونی و مدیریت محلی مطلوب را کاهش دهد و به توسعه پایدار روستایی کمک کند.

پیامدها و نتایج

پیامدها و نتایج حاصل از مدیریت محلی روستایی، با بررسی مستندات مرتبط، نشان‌دهنده تأثیرات گسترده‌ای در توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی است. این پیامدها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، محیطی- فضایی، کالبدی، و نهادی دسته‌بندی می‌شوند و به‌ویژه بر نهادینه شدن مشارکت مردمی، مدیریت مبتنی بر جامعه، و درونی شدن احساس مسئولیت جامعه‌ای تأکید دارند که به‌عنوان مهم‌ترین اثرات مدیریت محلی شناخته می‌شوند (Morrison, 2014; Yohanes & Siprianus, 2023). این رویکردها با تقویت همکاری و مسئولیت‌پذیری جامعه محلی، به پایداری و کارایی مدیریت روستایی کمک می‌کنند.

توسعه اقتصادی: مدیریت محلی با تقویت مشارکت مردمی و مدیریت مبتنی بر جامعه، زمینه‌ساز بهبود معیشت روستاییان از طریق توسعه صنایع محلی مانند صنایع تبدیلی و دستی، و ترویج گردشگری روستایی می‌شود. این اقدامات به رونق تجارت، گسترش فعالیت‌های خدماتی، و ایجاد منابع درآمدی پایدار منجر شده و بیکاری را کاهش می‌دهد (Firouznia et al., 2022; Kulsum & Bratamanggala, 2024). برای مثال، ایجاد تعاونی‌های محلی با مشارکت جامعه، به افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی و بهبود اقتصاد روستایی کمک می‌کند (Shafiei, 2021; Sabet & Ebrahimipour, 2021).

توسعه اجتماعی- فرهنگی: مدیریت محلی با تأکید بر مدیریت مبتنی بر جامعه، سرمایه اجتماعی را تقویت کرده و با افزایش مشارکت مردمی و درونی شدن احساس مسئولیت، شکاف شهر و روستا را کاهش می‌دهد. این امر از طریق برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی، که حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را در جامعه محلی تقویت می‌کند، مهاجرت روستایی- شهری را کاهش داده و انسجام اجتماعی را بهبود می‌بخشد (Zaitul et al., 2023; Heidari Sarban, 2016). برای نمونه، تقویت شوراهای محلی و تعاونی‌ها مشارکت فعال روستاییان را افزایش داده و اعتماد به نهادهای محلی را بهبود می‌بخشد.

بهبود و تحولات محیطی- فضایی: مدیریت محلی با بهره‌گیری از رویکردهای مشارکتی و درونی‌سازی احساس مسئولیت جامعه‌ای، حفاظت از محیط زیست را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی توسعه پایدار دنبال می‌کند. این امر از طریق مدیریت کارآمد منابع طبیعی، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشید و باد، و کاهش بهره‌برداری بی‌رویه از منابع محقق می‌شود (Boudet et al., 2020). برای مثال، برنامه‌های مدیریت مبتنی بر جامعه در حفاظت از منابع طبیعی، مانند جنگل‌ها و مراتع، نقش مؤثری دارند و پایداری زیست‌محیطی را تقویت می‌کنند.

توسعه کالبدی: مدیریت محلی با جلب مشارکت جامعه، توسعه زیرساخت‌های روستایی مانند معابر، سیستم‌های آبرسانی، و مسکن مقاوم را تسهیل می‌کند. این اقدامات آسیب‌پذیری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد (Rezvani, 2012). برای نمونه، پروژه‌های مشارکتی در اجرای طرح‌های هادی روستایی، با همکاری مستقیم روستاییان، به توسعه کالبدی پایدار منجر شده است.

توسعه نهادی: مدیریت محلی با نهادینه کردن مشارکت و مدیریت مبتنی بر جامعه، یکپارچگی در سطوح مدیریتی، ساختاری، و عملکردی را تقویت می‌کند. این امر از طریق هماهنگی بین نهادهای محلی (مانند دهیاری‌ها و شوراهای) و جلب همکاری ذینفعان در مدیریت منابع مالی و غیرمالی محقق می‌شود. برای مثال، ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد با مشارکت جامعه محلی، منابع مالی را به صورت عادلانه توزیع کرده و همکاری بین روستا و شهر را تقویت می‌کند. به طور کلی، نهادینه شدن مشارکت مردمی، مدیریت مبتنی بر جامعه، و درونی شدن احساس مسئولیت جامعه‌ای، به عنوان مهم‌ترین پیامدهای مدیریت محلی با تقویت همکاری بین روستاییان، نهادهای محلی، و دولت به توسعه پایدار در ابعاد مختلف منجر می‌شود. این رویکردها، با ایجاد حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری در جامعه، پایداری بلندمدت سکونتگاه‌های روستایی را تضمین می‌کنند. با توجه به نتایج حاصل از مطالعات بررسی‌شده مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل ۲ است.

اجزای اصلی مدل مفهومی

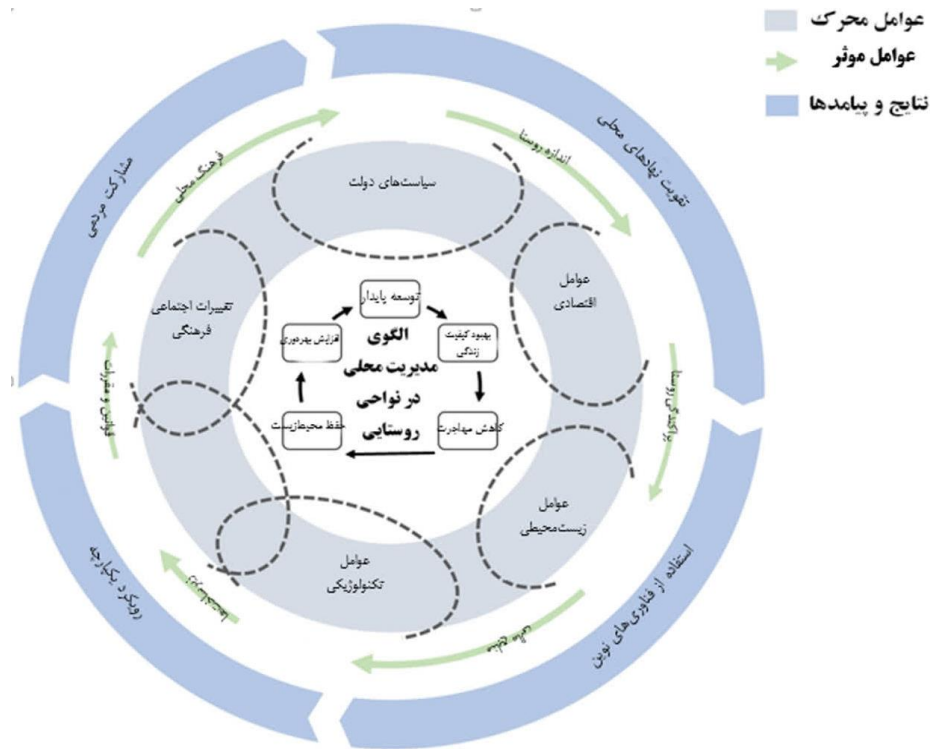
بر اساس نتایج حاصل از مطالعات بررسی‌شده، مدل مفهومی پژوهش حاضر به گونه‌ای طراحی شده که الگوی مدیریت محلی به عنوان هسته مرکزی آن عمل می‌کند و عوامل محرک، عوامل مؤثر، و نتایج و پیامدها به صورت یکپارچه با یکدیگر در ارتباط هستند. الگوی مدیریت محلی که بر مشارکت مردمی، تقویت نهادهای محلی، استفاده از فناوری‌های نوین، و رویکرد یکپارچه تأکید دارد، به عنوان محور اصلی توسعه پایدار روستایی عمل می‌کند. مشارکت مردمی از طریق جلب همکاری فعال روستاییان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های محلی، حس مسئولیت‌پذیری و مالکیت را در جامعه تقویت می‌کند، که این امر به بهبود کارایی مدیریت محلی منجر می‌شود. تقویت نهادهای محلی، مانند دهیاری‌ها و شوراهای، با افزایش اختیارات و هماهنگی بین سازمان‌ها، ساختار مدیریتی منسجمی ایجاد می‌کند. استفاده از فناوری‌های نوین، مانند سیستم‌های اطلاعاتی و تجارت الکترونیک، دسترسی به خدمات و بازارها را بهبود بخشیده و کارایی مدیریت را افزایش می‌دهد.

رویکرد یکپارچه نیز با تلفیق ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و زیست‌محیطی، توسعه‌ای متوازن را تضمین می‌کند.

عوامل محرک که شامل سیاست‌های دولت، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، عوامل اقتصادی، زیست‌محیطی، و تکنولوژیکی هستند، زمینه‌ساز ایجاد و تغییر در الگوی مدیریت محلی می‌شوند. سیاست‌های دولت، مانند تخصیص بودجه یا اصلاح قوانین، انگیزه‌ای برای بازنگری در ساختارهای مدیریتی فراهم می‌کنند. تغییرات اجتماعی و فرهنگی مانند افزایش آگاهی یا تغییر در سبک زندگی، نیاز به الگوهای مدیریتی انعطاف‌پذیر را برجسته می‌کنند. عوامل اقتصادی مانند بیکاری یا کمبود منابع درآمدی، ضرورت ایجاد منابع مالی پایدار را نشان می‌دهند. عوامل زیست‌محیطی مانند تغییرات اقلیمی یا تخریب منابع طبیعی، الگوهای مدیریتی را به سمت حفاظت از محیط زیست سوق می‌دهند. عوامل تکنولوژیکی نیز با معرفی ابزارهای نوین مانند اینترنت و انرژی‌های تجدیدپذیر، تحولات مدیریتی را تسهیل می‌کنند.

عوامل مؤثر شامل اندازه و پراکندگی روستا، منابع مالی، زیرساخت‌ها، قوانین و مقررات، و فرهنگ محلی هم بر الگوی مدیریت محلی و هم بر نتایج آن تأثیر می‌گذارند. اندازه و پراکندگی روستا تعیین‌کننده پیچیدگی مدیریت و دسترسی به خدمات است؛ به طوری که روستاهای کوچک و پراکنده به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی با چالش‌های بیشتری مواجه‌اند. منابع مالی پایدار مانند درآمدهای حاصل از گردشگری یا تعاونی‌ها، ظرفیت اجرای برنامه‌های توسعه‌ای را افزایش می‌دهند. زیرساخت‌های مناسب مانند جاده‌ها و سیستم‌های آبرسانی، بستر لازم برای توسعه را فراهم می‌کنند. قوانین و مقررات متناسب با شرایط محلی، کارایی نهادهای محلی را بهبود می‌بخشند، در حالی که فرهنگ محلی با تقویت سرمایه اجتماعی، مشارکت و انسجام جامعه را تسهیل می‌کند.

نتایج و پیامدهای الگوی مدیریت محلی شامل بهبود کیفیت زندگی روستاییان، توسعه پایدار روستا، افزایش بهره‌وری، کاهش مهاجرت، و حفظ محیط زیست است. بهبود کیفیت زندگی از طریق دسترسی بهتر به خدمات، افزایش درآمد، و ارتقای زیرساخت‌ها محقق می‌شود. توسعه پایدار با تلفیق ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی، پایداری بلندمدت سکونتگاه‌ها را تضمین می‌کند. افزایش بهره‌وری از طریق استفاده بهینه از منابع و فناوری‌های نوین حاصل می‌شود. کاهش مهاجرت با ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود شرایط زندگی در روستاها امکان‌پذیر است. حفظ محیط‌زیست نیز با مدیریت کارآمد منابع طبیعی و کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی به دست می‌آید.



شکل ۲. مدل مفهومی تحقیق

ارتباطات بین اجزای مدل به‌گونه‌ای است که عوامل محرک، الگوی مدیریت محلی را شکل داده و آن را به سمت پاسخ‌گویی به نیازهای محلی هدایت می‌کنند. عوامل مؤثر با تأثیر بر الگو و نتایج، چارچوبی برای اجرای مؤثر مدیریت محلی فراهم می‌کنند. الگوی مدیریت محلی نیز به‌طور مستقیم نتایج و پیامدها را تحت تأثیر قرار داده و با تقویت مشارکت، نهادها، و فناوری، به توسعه پایدار منجر می‌شود. این ارتباطات در شکل ۲ به‌صورت گرافیکی نمایش داده شده و چارچوبی یکپارچه ارائه می‌دهد که تعاملات پویا بین اجزا را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش، مرور نظام‌مند منابع مرتبط با الزامات، عوامل مؤثر، و پیامدهای مدیریت محلی در روستاهای کوچک و پراکنده در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ بود. با بهره‌گیری از بیانیه پریزما،

۸۰ مطالعه مرتبط از پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی بررسی شد. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده ضرورت تدوین الگویی جامع و یکپارچه برای مدیریت محلی است که بتواند چالش‌های چندبعدی این روستاها را برطرف کند. این چالش‌ها شامل پراکندگی جغرافیایی، کمبود زیرساخت‌ها، عدم تناسب قوانین با شرایط روستایی، ضعف نهادهای محلی، کمبود منابع مالی، مهاجرت روستایی، ضعف مشارکت مردمی، تغییر سبک زندگی، و تخریب محیط‌زیست هستند. این مشکلات به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی روستاییان، بهره‌وری منابع، و توسعه پایدار مناطق روستایی تأثیر می‌گذارند.

تحلیل عوامل استخراج‌شده در مقایسه با الگوهای موجود مدیریت محلی (مانند الگوهای مشارکتی، بازارمحور، اکولوژیکی، و فناوری‌محور) نشان می‌دهد که الگوهای سنتی و متمرکز غالباً با نیازهای روستاهای کوچک و پراکنده هم‌خوانی ندارند. این الگوها معمولاً به دلیل نادیده گرفتن ویژگی‌های محلی، مشارکت محدود مردمی، و عدم انعطاف‌پذیری در برابر شرایط خاص این روستاها، کارایی لازم را نداشته‌اند. در مقابل، الگوی پیشنهادی این پژوهش بر رویکردی سیستمی و اقتضایی تأکید دارد که مشارکت مردمی، تقویت نهادهای محلی، استفاده از فناوری‌های نوین، و توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر روستا را در اولویت قرار می‌دهد.

نتایج این پژوهش نشان داد که مدیریت موفق محلی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی، افزایش بهره‌وری منابع، کاهش مهاجرت، حفظ محیط‌زیست، و توسعه پایدار منجر شود. این پیامدها در ابعاد اقتصادی (ایجاد فرصت‌های درآمدی جدید)، اجتماعی-فرهنگی (کاهش شکاف شهر و روستا)، محیطی-فضایی (حفاظت از منابع طبیعی)، کالبدی (توسعه زیرساخت‌ها)، و نهادی (تقویت هماهنگی بین نهادها) قابل دسته‌بندی هستند. برای دستیابی به این نتایج و رفع چالش‌های شناسایی‌شده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند که هر یک با نتایج و چالش‌های اصلی پژوهش هم‌راستا هستند:

۱. **تقویت مشارکت مردمی:** این پیشنهاد با نتیجه «توسعه اجتماعی-فرهنگی» و چالش‌های «ضعف مشارکت مردمی» و «نبود اعتماد به نهادهای محلی» هم‌راستا است. افزایش آگاهی، آموزش، و توانمندسازی روستاییان از طریق کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های مشارکتی می‌تواند حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری را تقویت کرده و مشارکت فعال آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها را افزایش دهد.

۲. **حمایت دولت:** این پیشنهاد با نتایج «توسعه اقتصادی» و «توسعه کالبدی» و چالش‌های «کمبود منابع مالی پایدار» و «تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری» مرتبط است. تخصیص منابع مالی،

- ارائه خدمات عمومی، و ایجاد زیرساخت‌های لازم (مانند جاده و تأسیسات ارتباطی) توسط دولت می‌تواند محرومیت روستاها را کاهش داده و توسعه پایدار را تسهیل کند.
۳. **توسعه منابع درآمدی پایدار:** این پیشنهاد با نتیجه «توسعه اقتصادی» و چالش‌های «وابستگی به درآمدهای کشاورزی» و «مهاجرت روستایی» هم‌خوانی دارد. ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از طریق توسعه گردشگری روستایی، صنایع تبدیلی، و تعاونی‌های محلی می‌تواند وابستگی به کشاورزی را کاهش داده و مهاجرت جوانان را مهار کند.
۴. **اصلاح قوانین و مقررات:** این پیشنهاد با نتیجه «توسعه نهادی» و چالش‌های «نبود تناسب قوانین با شرایط روستایی» و «تمرکزگرایی» مرتبط است. بازنگری قوانین موجود و تدوین مقررات متناسب با ویژگی‌های روستاهای کوچک می‌تواند اختیارات نهادهای محلی را افزایش داده و مدیریت کارآمدتری را ممکن سازد.
۵. **تقویت نهادهای محلی:** این پیشنهاد با نتیجه «توسعه نهادی» و چالش «ضعف نهادهای محلی» هم‌راستا است. افزایش اختیارات و توانمندسازی نهادهایی مانند دهیاری‌ها از طریق آموزش و تأمین منابع مالی و انسانی می‌تواند کارایی مدیریت محلی را بهبود بخشد.
۶. **استفاده از فناوری‌های نوین:** این پیشنهاد با نتایج «بهبود بهره‌وری» و «توسعه کالبدی» و چالش «نبود استفاده از روش‌های نوین مدیریت» مرتبط است. بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات (مانند تجارت الکترونیک و سیستم‌های اطلاعاتی) می‌تواند دسترسی به بازارها و خدمات را بهبود بخشد و مدیریت روستایی را کارآمدتر کند.
۷. **توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر روستا:** این پیشنهاد با نتایج «توسعه پایدار» و «حفظ محیط‌زیست» و چالش «نبود توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر سکونتگاه» هم‌خوانی دارد. طراحی برنامه‌های توسعه متناسب با شرایط جغرافیایی، فرهنگی، و اقتصادی هر روستا می‌تواند اثربخشی مدیریت محلی را افزایش دهد.
۸. **تقویت سرمایه اجتماعی:** این پیشنهاد با نتیجه «توسعه اجتماعی- فرهنگی» و چالش‌های «ضعف سرمایه اجتماعی» و «نبود اعتماد به نهادهای محلی» مرتبط است. ایجاد اعتماد و تقویت روابط اجتماعی از طریق فعالیت‌های جمعی و تعاونی‌ها می‌تواند همکاری بین روستاییان و نهادهای محلی را بهبود بخشد.
- این پیشنهادهای به‌عنوان راهکارهایی عملی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه روستایی ارائه شده‌اند تا بتوانند برنامه‌های توسعه‌ای مؤثرتری را طراحی و اجرا کنند. با توجه به پیچیدگی

چالش‌های مدیریت محلی در روستاهای کوچک و پراکنده، پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتری برای توسعه راهکارهای عملی و بومی‌سازی الگوهای مدیریت محلی انجام شود. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای مطالعات آینده و سیاست‌گذاری‌های هدفمند در راستای توسعه پایدار روستایی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

1. Afsharipour, A., Barghi, H. & Ghanbari, Y. (2020). Explaining the indicators affecting policy-making for rural management (Case study: Kerman province). *Geography and Environmental Planning*, 31(2), 71-88. doi: 10.22108/gep.2020.124287.1336. [In Persian]
2. Akash, J. (2023). Definition, scope and importance of rural management. Financial Management (BBA 210). Sharda University. Academic Year: 2022/2023.
3. Alizadeh, Z., Porramezan, E. & Molaei Hashjin, N. (2022). Explaining the role of local management in Environmental-Spatial developments in the villages of Rudsar County. *Geographical Engineering of Territory*, 6(4), 731-750. [In Persian]
4. An, W., & Alarcon, S. (2020). How can rural tourism be sustainable? A systematic review. *Sustainability*, 12(18), 7758. <http://www.prisma-statement.org/PRISMAStatement/FlowDiagram>.
5. Anabestani, A., & Nazari, L. (2022). Analysis of key drivers of the impact of rural management performance on the physical development of suburban settlements with a future study approach (case study: Aliabad Katoul county). *Preipheral Urban Spaces Development*, 4(1), 1-24. [In Persian]
6. Badri, S.A. & Mousavi, S.A. (2012). *New Rural Management*. Eshtiaqhe Noor Publication.
7. Boudet, F., MacDonald, G.K., Robinson, B.E. & Samberg, L.H. (2020). Rural-urban connectivity and agricultural land management across the Global South. *Global Environmental Change*, 60, 101982. doi:10.1016/j.gloenvcha.2019.101982
8. Darban Astane, A. (2015). Challenges of establishment of rural municipality in Iranian small and scattered village. *Journal of Rural Research*, 6(1), 209-232. doi: 10.22059/jrur.2015.54238. [In Persian]

9. Dastjerdi, H., Sorie, F., Taghadosi, A. & Ansarizadeh, S. (2010). Political management of village and comparative success analysis of dehyari in large and small villages (Case study: Delfan County). *Journal of Geographical Sciences*, 15(18), 51-66.
10. Egreteau, R. (2017). Parliamentary development in Myanmar: An overview of the union parliament, 2011-2016.
11. Faraji Sabokbar, H., Bayat, N. & Ghassabi, M.J. (2013). Recognition and analysis of the causes of inefficiency of rural management from the native habitants' viewpoint (Case study: Aran and Bidgol central district). *Journal of Research and Rural Planning*, 2(1), 257-280. doi: 10.22067/jrrp.v2i3.20971. [In Persian]
12. Firouznia, G., Ziarati Nasrabadi, I., Taleshi, M. & Darban Astaneh, A. (2022). Factors affecting the reorganization of the rural service management model with emphasis on economic components (Case study: Qazvin Province). *Journal Space Economy & Rural Development*, 11(40):113-142. [In Persian]
13. Ghasemi, S. (2025). Explaining the optimal model of rural management in Iran. *Geography and Human Relationships*, 8(1), 209-224. Doi: 10.22034/gahr.2024.456945.2127.
14. Harrop, J. (2001). Integrated Rural Management plans property Directorate.
15. Heidari Sarban, V. (2016). Factors of improved rural development management from viewpoint of local community: A Case Study of Meshginshahr County, Iran. *Village and Development*, 18(4), 91-109. Doi: 10.30490/rvt.2016.59448. [In Persian]
16. Jafari, N., Barghi, H. & Ghanbari, Y. (2021). Explaining components affecting rural governance in local management (case study: Zanjan township). *Journal of Geography and Regional Development*, 18(2), 54-33. doi: 10.22067/jgrd.2021.49186.0. [In Persian]
17. Khazaei, F., Moshki, & Najjarzade, M. (2023). The Role of local management in the economic development of Ecotourism-Potential regions (Case Study: Barghan Dehestan, Savojbolagh County). *Village and Space Sustainable Development*, 4(3), 136-157. Doi: 10.22077/vssd.2023.5990.1163. [In Persian]
18. Khorshidi, A., Faghih, H. & Askari Azad, M. (2013). Optimal local management for vision 2025. *Journal of Strategy*, 21(4). [In Persian]

19. Kulsum, U., & Bratamanggala, R. (2024). Exploratory review of factors that influence village financial management. *Journal of World Science*, 3(6), 667-674.
20. Liberati, A., Altman, D.G., Tetzlaff, J., Mulrow, C., Gøtzsche, P.C., Ioannidis, J.P., & Moher, D. (2009). The PRISMA statement for reporting systematic reviews and meta-analyses of studies that evaluate health care interventions: explanation and elaboration. *Journal of Clinical Epidemiology*, 62(10), e1-e34.
21. Membretti, A. (2021). Remote Places of Europe and the New Value of Remoteness, MATILDE: Migration Impact Assessment to Enhance Integration and Local Development in European Rural and Mountain Areas, September 2021. <http://doi.org/10.13140/RG.2.2.15779.78886>.
22. Molaei Hashjin, N., Amar, T. & Bagheri, A. (2018). The role of local management in the economic development of rural areas in Behshahr County. *Spatial Economics and Rural Development*, 6(22), 165-176. [In Persian]
23. Moradi, K., & Agahi, H. (2014). Investigating rural management challenges by using qualitative approach of Grounded Theory. *Geography and Development*, 12(34), 167-181. doi: 10.22111/gdj.2014.1440. [In Persian]
24. Morrison, T.H. (2014). Developing a regional governance index: the institutional potential of rural regions. *Rural Studies*, 35, 101-111. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2014.04.004>
25. Mozafari Vanani, A., & Jafari, H. (2024), The Impact of local management on the physical and environmental development of rural settlements. *Journal of Geography and Environmental Studies*, 13 (50), 102-117. Doi: 10.71740/ges.2024.979055. [In Persian]
26. Muro, M., & Jeffrey, P. (2008). A critical review of the theory and application of social learning in participatory natural resource management processes. *Journal of Environmental Planning and Management*, 51(3), 325-344.
27. Mustakangas, E., & Vihinen, H. (2024). How do municipal strategies work in rural development: A critical realist case study. *Journal of Rural Studies*, 106(1), 103215. DOI:10.1016/j.jrurstud.2024.103215

28. Prof, T.P. (2004). Ict and E-Governance for Rural Development Center for Electronic Governance. Indian Institute of Management, Ahmedabad. p134.
29. Putri, C.M., Argilés-Bosch, J.M. & Ravenda, D. (2024). Creating good village governance: an effort to prevent village corruption in Indonesia. *Journal of Financial Crime*, 31(2), 455-468. <https://doi.org/10.1108/JFC-11-2022-0266>.
30. Qasemnejad, M., Molaeihashjin, N., Qoraishi, M.B. & Pourramzan, E. (2021). Explaining the optimal model of rural management with a local management approach (case study: West and Southwest of Gillan province). *Geographical Engineering of Territory*, 5(1), 197-211. doi: JGET-2010-1198(R1). [In Persian]
31. Rezvani, M.R. (2014). *An Introduction to Rural Development Planning in Iran*. Ghoomes Publishing.
32. Shafiei Sabet, N., & Khaksar, S. (2022). Analyzing the level of rural satisfaction with the quality of local government services (Case: rural settlements of Rey city). *Regional Planning*, 12(45), 123-138. Doi: 10.30495/jzpm.2022.4249. [In Persian]
33. Shafiei Sabet, N.S., & Khaksar, S. (2020). The performance of local government, social capital and participation of villagers in sustainable rural development. *The Social Science Journal*, 61(1), 1–29. <https://doi.org/10.1080/03623319.2020.1782649>. [In Persian]
34. Shafiei Sabet, N., & Ebrahimipour, F. (2021). The performance of local management in improving indicators of spatial evolution in the rural settlements (Case study: Esfandaqiyeh District in Jiroft County). *Village and Space Sustainable Development*, 1(4), 1-14. Doi: 10.22077/vssd.2021.4174.1024. [In Persian]
35. Shahbazi, E., & Sharif Tehrani, A. (2018). Pathology of village management. *Village and Development*, 14(1), 1-14. doi: 10.30490/rvt.2018.59168. [In Persian]
36. Strech, D., & Sofaer, N. (2012). How to write a systematic review of reasons. *Journal of Medical Ethics*, 38(2), 121-126.
37. Tsimpo, C., & Wodon, Q. (2018). Residential Piped Water in Uganda: The World Bank.
38. Yarihesar, A., Boochani, M.H., Mahdavi, D. & Parishan, M. (2013). Formulation of development strategies in rural management of Iran

- using Strategic Planning Approach. *Journal of Rural Research*, 4(4), 691-714. doi: 10.22059/jrur.2013.50416. [In Persian]
39. Yin, J., Wang, D., Li, H., Li, Y. & Shang, Y. (2024). Spatial optimization of rural settlements in ecologically fragile regions based on a multi-agent model: Evidence from different types of towns. *Environmental Impact Assessment Review*, 106, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.eiar.2024.107547>.
40. Yohanes, D., & Siprianus, G. Tefa. (2023). Transformation of local wisdom values in management of village funds (study in villages in Kupang Tengah District). *International Journal of Humanities Education and Social Sciences*, 2(6). <https://doi.org/10.55227/ijhess.v2i6.561>.
41. Zaitul, D.I., & Neva, N. (2023). Good governance in rural local administration. *Administrative Sciences*, MDPI, 13(1), 1-19. <https://doi.org/10.3390/admsci13010019>.
42. Zou, H., Luan, F., Xi, H. & Yang, B. (2020). Comprehensive Management for Better Rural Infrastructure and Service Delivery: Lessons from the Implementation of China's Six Point Rural Action Plan in Guizhou Province. In: Dahiya, B., Das, A. (eds) *New Urban Agenda in Asia-Pacific. Advances in 21st Century Human Settlements*. Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-13-6709-0_10.